خبر

کرونا و چالش تعطیل بودن ارگان‌های فرهنگی

کم‌کم وارد یک‌سال می‌شویم که پاندمی کرونا جهان را فرا گرفته و سایه تلخ‌اش را بر مردم جهان گسترانیده است. اما این تلخی برای کودکان و نوجوانان بیشترِ شده که انرژی درونی‌شان با خانه ماندن کاملاً هدر رفته است. والدین به ستوه آمدند و دنبال کلاس‌های مجازی و سرگرمی برای کودکان و نوجوانشان هستند تا بتوانند حداقل برای چند ساعتی آنان را سرگرم کنند یا حواس‌شان را از این ویروس دور کنند تا در دام خستگی‌های روحی و دل مردگی نیفتند.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یکی از آن ارگان‌های فرهنگی است که اصلاً برای همه حس نوستالژیک خاصی به همراه دارد و هر شخصی اسم آن را می‌شنود بالاخره خاطره‌ای از حضورش در آن فضا را در ذهن‌اش مرور می‌کند این روزها و ماه‌ها هم خیلی‌ها امیدشان به کانون پرورش فکری است تا چاره‌ای برای سرگرمی فرزندانشان فراهم کنند. از همین رو، کانون سایت مجازی را برای مخاطبانش راه‌اندازی کرد تا راه وصول به کلاس‌های مجازی را تسهیل کند و مخاطبان از سراسر کشور با آن ارتباط بگیرند.

البته بسیاری از مخاطبان نسبت به فعالیت‌های کانون نقدهایی داشتند و خیلی‌ها از راه‌اندازی سایت اظهار امیدواری کردند که کتاب‌های قصه، تئاترها و انیمیشن‌های کانون در اختیارشان قرار گرفته است و می‌توانند استفاده کنند. حتی برخی از چاپ کتاب‌های کودک و نوجوان به خط بریل بسیار خوشحال بودند.

البته برخی از والدین هم تصورشان بر این بوده که مراکز کانون چه در تهران و چه در استان‌ها امکان حضور برای کودکان و نوجوانان را فراهم کرده است اما با پیگیری می‌بینند که تعطیل هستند و تصور می‌کردند که کانون در دوران کرونا کاملاً تعطیل کردند.

«فواد علی‌پور» فعال فرهنگی و یکی از مخاطبان کانون پرورش فکری که در خرمشهر زندگی می‌کند، نقدش از این مجموعه این بود که چرا کانون برای کودکان برنامه‌های تفریحی و سرگرمی ندارد؟ حتی می‌گفت که از اسفندماه ۹۸ مراکز در استان‌شان تعطیل است و تنها فراخوان مجازی منتشر شد و کلیپ‌های محدودی گذاشته‌اند و کاملاً در تعطیلات هستند!

«زینب رامفر» که در استان گلستان زندگی می‌کند درباره این موضوع از او جویا شدیم، می‌گفت، شاید کمی اطلاع‌رسانی‌ها ضعیف باشد در نوع کلاس‌های مجازی کانون، اما بیشتر کتاب‌های قصه‌گویی را که برای دانلود گذاشته بودند را دریافت کردم و خیلی خوب و مؤثر بود اما از کلاس‌های مجازی نتوانستم استفاده کنم به خاطر این‌که محدودیت اینترنت داشتیم.

همچنین «ماه‌دوخت» از روستای لزور درباره رویدادهای کانون در دوران کرونا می‌گوید، خیلی نتوانستم به صورت آنلاین شرایط را برای پسرم محیا کنم اما دوستانم کلیپ‌ها و برنامه‌ها را دریافت کردند و برای من می‌آورند شرایط آن تن‌دهی و اینترنت در اینجا خیلی مساعد نیست به این خاطر به سایت رجوع نکردم اما همان ویدیوهایی که ارسال کردند هم واقعاً چاره‌ساز بود به نظر من کانون هم کتاب‌هایش و هم مربیانش خیلی خوب هستند امیدوارم کرونا هر چه زودتر بساطاش را جمع کند تا هم پسر من و هم باقی بچه‌ها شرایط حضور در مراکز کانون را داشته باشند.

برای شفاف‌سازی نقدهایی مبنی بر تعطیل بودن کانون پرورش فکری حامد رهنما مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون پرورش فکری درباره برنامه‌های این ارگان در دوران کرونا گفت: کانون پرورش فکری از ابتدای ویروس کرونا و قرنطینه شدن کشور، کارگروهی تشکیل داد و تصمیم گرفته شد برنامه‌ای با عنوان «پیک امید مجازی» راه‌اندازی شود. بنا بر این با توجه به اینکه خانواده‌ها و اعضای این مجموعه، کودکان و نوجوانان در تهران و شهرستان‌ها نمی‌توانستند به صورت حضوری در کانون بیایند قالب فعالیت‌های مربیان در زمینه نقاشی، خوشنویسی، کاردستی، قصه‌گویی و سرگرمی و... را در بسترهای مختلف مجازی آغاز و اتفاقاً خانواده‌ها هم استقبال کردند.

او ادامه داد: به خاطر دارم حتی استقبال خانواده‌ها از این آموزش‌های مجازی بیشتر از آموزش حضوری بود. بعد از اینکه سال تحصیلی گذشته به پایان رسید و تابستان شروع شد معاونت فرهنگی کانون همان فضای آموزش‌ها را ادامه داد و پرتال مجازی کانون به نشانی kpf.ir افتتاح شد و خانواده‌ها از طریق آن می‌توانستند برنامه‌ها و کلاس‌های مجازی را دنبال کنند.

مدیرکل روابط عمومی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گفت: انجمن‌های تخصصی کانون از جمله سرود، قصه‌گویی، شاعران، نویسندگان، هنرهای نمایشی و... شروع به کار کرده بودند که قبل از کرونا کلاس‌های انجمن دایر بود اما بعد از کرونا از بسترهای سایت کانون، شبکه‌های اجتماعی تمامی برنامه‌ها را به صورت مجازی برگزار کردند. همانند تهران تمامی استان‌ها به صورت یکپارچه این برنامه‌ها به‌صورت سراسری اجرا می‌شد.

او با اشاره به همکاری کانون با شبکه‌های صداوسیما و برنامه‌های انجام شده، تصریح کرد: محتوای ما در بسترهای مختلف مجازی اجرا شد و به صورت سراسری در اختیار علاقه‌مندان کانون پرورش فکری قرار گرفت.

رهنما درباره تولیدات کانون گفت: همچنین تولیدات کانون در زمینه انیمیشن‌ها، فیلم‌ها و کتاب‌های به همان قدرت قبل از کرونا ادامه دارد. ۳۰۰ عنوان کتاب و ۲۰ کتاب شنیداری کانون از ۱۷ اسفند ۹۸ در سایت طاقچه به صورت رایگان بارگذاری شد تا خانواده‌ها از این تولیدات استفاده کنند

به گفته مدیرکل روابط عمومی کانون پرورش فکری، فیلم‌های سینمایی ضربه فنی، ساز دهنی، خمره و... به صورت محدود از طریق صداوسیما پخش شد. همچنین در زمینه نقالی هم در دوران کرونا تولیداتی داشتیم و در بسترهای فضای مجازی آن‌ها را منتشر کردیم.

ممیزی کتاب به چه درد می‌خورد، وقتی کتاب‌های ناجور سر از جاهای دیگر درمی‌آورند؟

ممیزی دو کتاب در روزهای اخیر، حسابی جنجال درست کرده است. یکی داستانی تاریخی از انتشارات کتابستان معرفت درباره شهادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها و دیگری که در قالب یک کتاب روانشناسی که پیشنهادهای بی‌شرمانه می‌دهد به خوانندگانش. اداره کتاب وزارت ارشاد برای اولی یک نسخه سفت و سخت پیچید و گفت، تا حذفیاتش را اعمال نکنید از مجوز خبری نیست. برای دومی اما خیلی تمیز، مجوز صادر کرد و وقتی با اعتراض رسانه‌ها مواجه شد که چطور چنین خطایی از چشمتان در رفته است، گفتند: نگران نباشید! اجازه توزیعش را نمی‌دهیم. در حالی که همان کتاب با پیشنهادهای غیراخلاقی و غیرشرعی‌اش، در نرم‌افزارهای کتابفروش و کتابخوان، مثل آب خوردن هم فروش رفت و هم خوانده شد تا دوگانه اداره کتاب در مواجهه با آثار مختلف عیان شود.

این در حالی است که دو حوزه‌ای که نظارت پسینی ندارند، فیلم و کتاب است و محصولات این دو حوزه از سوی ارشاد برای انتشار مجوز دریافت می‌کنند.

ممیزی کتاب، بحث امروز و دیروز نیست و سال‌هاست رسانه‌ها درباره این کار حرف می‌زنند، نقد می‌کنند، نور می‌تابانند و پیشنهاد می‌دهند و عده‌ای از نویسندگان و ناشران هم این کار را کلاً کاری بیهوده می‌شمارند. بعضی‌ها حتی آن را مانع اصلی رشد صنعت نشر در کشور می‌دانند و خواهان برچیده شدن آن هستند. این طیف در سخنان خود قانون ممیزی را غیرشفاف می‌دانند و از نامشخص بودن حدود و ثغور آن سخن می‌گویند و ادعا می‌کنند که نویسندگان نمی‌توانند تشخیص دهند حدود قانونی ممیزی کتاب چیست و به کجا ختم می‌شود.

بعضی ناشران هم می‌گویند که خودشان در ممیزی پیشقدم هستند و برای آن که کتابشان منتشر شود، همه دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها را رعایت می‌کنند، اما بازهم برای نشر اثر دچار چالش‌هایی می‌شوند.

«ممیزی پس از انتشار» یا همان «ممیزی پسینی» که از ابتدای دولت حسن روحانی چند بار زمزمه شد، مورد پذیرش بسیاری از کارشناسان حوزه نشر نیست؛ چرا که لغو بررسی کتاب‌ها قبل از چاپ و انتشار تنها پس از دریافت مجوز از وزارت ارشاد، عملی غیرقانونی و به کل، خارج از حدود اختیارات هر مقام دولتی دیگر است. تغییر رویه فعلی تنها در صورت طرح و تصویب در شورای عالی انقلاب فرهنگی یا مجلس شورای اسلامی و تصویب و درآمدن به صورت یک ماده قانونی مشخص ـ آن هم پس از ابلاغ رسمی به وزارت ارشاد ـ مقدور است.

ناظر واحد نشر محتوای متنی از جمله کتاب‌ها در سراسر پلتفرم‌های نشر چه کسی است؟ اگر کتابی مجوز گرفت و جلوی توزیعش را گرفتند، آیا نمی‌شود آن‌ها را در پهنه دیگری مثل اینترنت به اشتراک گذاشت؟

* مختارپور: محصول فرهنگی و هنری اعم از کتاب یا فیلم بدون نظارت و بررسی اجازه انتشار و توزیع ندارد

علیرضا مختارپور از فعالان عرصه نشر کشور و دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور درباره ممیزی و قوانین مربوط به آن می‌گوید: دو مطلب در مورد ضرورت ممیزی وجود دارد؛ یکی اینکه براساس قانون اساسی و براساس اهداف و ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، نمی‌شود معتقد بود هر محصول فرهنگی هنری اعم از کتاب یا فیلم و هر چیزی بدون نظارت و بررسی اجازه انتشار و توزیع داشته باشد.

وی گفت: اما نکته دوم از موضوع بالا هم مهم‌تر است و آن اینکه ما در حال حاضر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی را که در حکم قانون است در اختیار داریم. این مصوبه در اردیبهشت ۱۳۶۷ به نام «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» معرفی شد و بعد در ۲۴ فروردین سال ۸۹ در جلسه ۶۶۰ یک مصوبه اصلاحی و جدید تهیه شده که جزئیات بیش‌تری دارد. این مصوبه قانونی است و رعایت آن برای همه دستگاه‌ها از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لازم الاجراست. در این مصوبه اصلاحی که تفصیل بیش‌تری دارد، هم «سیاست‌های ایجابی» و هم «حدود قانونی» مطرح شده است. در حدود قانونی مشخص شده چه حوزه‌هایی را وزارت ارشاد اسلامی باید در ارکان خود داشته باشد، مثلاً «هیأت نظارت بر ضوابط نشر» و «هیأت نظارت بر نشر کتاب‌های کودک و نوجوان» را دارد که عنوان شده به چه طریقی اعضای آن انتخاب می‌شود و اسامی آنها باید توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شود. پس از آن در همین مصوبه پیش‌بینی شده این افراد چه جلسات یا چه کمیته‌های داوری می‌توانند داشته باشند. اگر ناشر شکایت کند، چه می‌توانند انجام دهند و... در واقع تمام مراحل قانونی پیش‌بینی شده است.

دبیرکل نهاد کتابخانه‌ها اضافه کرد: البته در ماده ۱۱ همین مصوبه آمده که شیوه‌نامه اجرایی در موارد لازم باید توسط وزارت ارشاد تهیه شود، غیر از این مورد، بندی در ماده ۱۲ این مصوبه آمده که گفته مسئولیت اجرایی، سیاست‌ها و ضوابط برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، سایر دستگاه‌ها موظف هستند در این خصوص با وزارت ارشاد همکاری کنند.

* وزارت ارشاد موظف است از چاپ و توزیع کتاب‌های فاقد مجوز رسمی جلوگیری کند

به گفته وی، همچنین وزارت ارشاد موظف است با همکاری دیگر نهادهای ذی‌صلاح از چاپ و توزیع کتاب‌های فاقد مجوز رسمی جلوگیری کند و با ناشر اینگونه کتاب‌ها برخورد قانونی کند و عنداللزوم آنها را به مراجع قضایی نیز معرفی کند.

* چند دسته کتاب‌های غیر مجاز

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو توضیح داد: ما همین الان کتاب‌هایی (کاغذی) در کشور داریم که اینها یا «غیرمجاز» هستند که توسط بعضی از ناشران و افراد مختلف و غیرقانونی در کشور منتشر می‌شوند و در شبکه غیرمجاز قاچاق توزیع می‌شوند (در دستفروشی‌ها و یا برخی کتابفروشی‌ها و یا توسط برخی از سایت‌های فروش اینترنتی کتاب عرضه می‌شوند) و طبق این قانون هر فردی که کتاب‌های فاقد مجوز رسمی منتشر کند، وزارت ارشاد در این هنگام باید با همکاری دیگر نهادهای ذیصلاح نظامی، امنیتی و قضایی از توزیع آن جلوگیری کند.

فرمانده واحد در این مسئله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است

وی در پاسخ به اینکه آیا فرمانده واحد در این مسئله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، گفت: بله، فرمانده وزارت ارشاد است. طبق ماده ۱۲، چرا که وزارت ارشاد موظف است پیگیری کند، هر چند ارشاد در چند مقطع نیز با سایر دستگاه‌ها اقداماتی انجام داد و کارهایی صورت گرفت، اما چون استمرار و برخورد محکم و لازم از طرف نهادهای قانونی مذکور صورت نگرفته، این ماجرا همچنان مشهود است.

دسته دوم اینکه چند سالی است عده‌ای در کشور کتاب‌های پرفروش و پرمخاطب را مدنظر قرار داده و اقدام به چاپ غیرقانونی این دسته از کتاب‌ها می‌کنند و چون حق‌الزحمه مؤلف را پرداخت نمی‌کنند و هزینه‌هایی چون حروف‌چینی و ویرایش را برعهده ندارند، کتاب برای آنها ارزان‌تر تمام می‌شود و در سال چند میلیارد تومان کتاب‌های مجوزدار سایر ناشران را به صورت قاچاق در کشور چاپ کرده و می‌فروشند. متأسفانه در یکی دو سال اخیر این کتاب‌ها حتی به قفسه‌های کتابفروشی‌ها هم راه یافته است؛ یعنی توانسته‌اند آنها را به دست کتابفروش هم برسانند. او هم وقتی می‌بیند برایش ارزان‌تر تمام می‌شود و سود بیش‌تر نصیبش خواهد شد آن را در کتابفروشی خود عرضه می‌کند.

مجازاتی که بازدارنده نیست

مختارپور ابراز داشت: در این مسیر با برخی کتابفروشی‌ها که اقدام به فروش می‌کردند، برخورد شد. اما به دلیل اینکه مجازات قانونی لازم توسط قوه قضائیه یا دستگاه‌های نظارتی و انتظامی در برابر آن صورت نگرفته، از ادامه توزیع و فروش هم جلوگیری نشد.

وی در یک جمع‌بندی خاطرنشان کرد: دسته اول کتاب‌های غیرمجاز قطعی، دسته دوم، کتاب‌هایی هستند که مجوز دارند اما شبکه قاچاق آنها را تکثیر و وارد می‌کنند و مورد سوم، اینکه ارشاد به ناشران آن مجوز نمی‌دهد، اما بعضی از ناشران بدون مجوز قانونی کتاب را منتشر می‌کنند. مثلاً سال گذشته یک کتابی منتشر شد که ناشر رسمی مجوزدار اعلام کرد که چون من این کتاب را یک یا دو سال به ارشاد دادم، ارشاد به کتاب ارسالی من مجوز نداد بنابراین من اثرم را منتشر می‌کنم! متأسفانه کتاب منتشر شد و در بازار هم به فروش رفت و حداکثر ارشاد توانست از حضور او در نمایشگاه بین‌المللی کتاب همان سال ممانعت کند. این مسئله نشان می‌دهد «مجازات بازدارنده نبوده» است. بنابراین سایر ناشران هم شروع به انتشار برخی کتاب‌ها کردند. در حالی که در همین قانون آمده باید با این قبیل ناشران برخورد قانونی صورت گرفته و به مراجع قضایی نیز معرفی شوند.

بی‌دقتی یا ضعف ارشاد؛ قانون جدید لازم نیست

مختارپور به عملکرد اداره کتاب هم در برخی مقاطع اشاره کرد و بیان داشت: البته گاهی بخش کارشناسی وزارت ارشاد از روی ضعف یا دیگر اتفاقات، دقت لازم را بر آثار ندارد و پس از آنکه کتاب منتشر می‌شود تازه متوجه می‌شوند که کتاب اشکال دارد و بعد، مجوز کتاب را لغو می‌کنند. اولا تجربه نشان داده حتی اگر از کتابی ۵۰ نسخه هم چاپ شود و بعد آن اثر ممنوع شود، باز هم آن کتاب در بازار نشر وجود دارد یا از طریق چاپ غیرمجاز یا الکترونیک و اتفاقا وقتی ممنوع می‌شود، کنجکاوی در مردم پدید می‌آید که بدانند این کتاب چه بوده است. بنابراین لازم است اینجا وزارت ارشاد در بررسی‌ها دقت لازم را طبق ضوابط قانونی انجام دهد.

* ضعف قانونی نداریم، دست ارشاد باز است

مختارپور در پاسخ به اینکه آیا ما نیازمند قوانین جدید هستیم یا خیر، گفت: به نظر من قوانینی که در این اصلاحیه آمده کاملا دست ارشاد را باز گذاشته تا نظارت‌های کامل را انجام دهد. بنابراین ضعف قانونی وجود ندارد و نیازمند قوانین جدید نیستیم. اما گاهی وزارت ارشاد به کتابی «مجوز مشروط» می‌دهد و می‌گوید ما در مرحله اعلام وصول جلوی کتاب را می‌گیریم (لازم به توضیح است مجوز مشروط زمانی داده می‌شود که اگر مورد مشروطی وجود داشت آن شرط در انتشار رعایت شده باشد، یا ناشر کتاب را تغییر نداده باشد) این مسئله چند پیامد دارد، اولاً اینکه در بعضی از جهات موجب ضرر ناشر می‌شود. در همین کتاب اخیر مشخص شد وزارت ارشاد به کتاب مجوز داده است؛ چرا که در اطلاعیه این وزارتخانه آمده است که در مرحله مجوز اعلام وصول، جلوی توزیع کتاب گرفته می‌شود؛ یعنی مجوز کتاب داده شده است.

* شیوه‌نامه دقیق و مشخص برای انتشار کتاب الکترونیک نداریم

دبیرکل نهاد کتابخانه‌ها افزود: اما یک نکته دیگر که در سال‌های اخیر، نمود آشکار داشت و برای کتاب اخیر که حاشیه داشت هم صادق بود اینکه کتاب ابتدا به صورت رایگان و الکترونیک منتشر شد؛ چون انتشار الکترونیک، نیازمند اعلام وصول نیست. متأسفانه خلأ قانونی، دقیقا همین‌جاست. ما یک شیوه‌نامه دقیق و مشخص برای انتشار کتاب الکترونیک نداریم. بسیاری از سایت‌های مجاز الکترونیک در کشور ما حتی کتاب گروهک‌های ضدانقلاب را به شکل رایگان عرضه می‌کنند و برخی سایت‌ها کتاب‌های مربوط به نشریات مبتذل قبل از انقلاب، بعضی از کتاب‌های ضدانقلاب و... را در سایت‌شان قرار داده‌اند و در حال فعالیت هستند. این سایت‌ها قانونی است و حتی فیلتر نیستند و به راحتی آثار ضددین و ضدنظام ارائه می‌دهند و بعضا رایگان هم قابل دریافت است!

* در نشر الکترونیک، قانون یا آئین‌نامه مصوب ابلاغ‌شده و توجیه شده برای ناشران نداریم

این کارشناس حوزه کتاب اضافه کرد: با گسترش فضای الکترونیک و مجازی، نیازمند یک آئین‌نامه یا شیوه‌نامه یا مصوبه‌ای برای انتشار الکترونیک هستیم که وزارت ارشاد باید آن را تدوین کند؛ چرا که مرجع ذی‌صلاح هم ارشاد است. این آئین‌نامه باید از سوی وزارت ارشاد تدوین و به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال شود. در حال حاضر ما در نشر الکترونیک، قانون یا آئین‌نامه مصوب ابلاغ‌شده و توجیه شده برای ناشران نداریم. در نتیجه در مورد همین کتاب اخیر، سایت مربوطه اعلام می‌کند ناشران براساس مجوزی که دارند کتاب را بارگذاری می‌کنند، اما طبیعی است وقتی فناوری تغییر می‌کند باید متناسب با آن ضوابط هم تنظیم شود.

* برخورد با کتابی که در تلگرام یا اینستاگرام بدون مجوز منتشر شود، چگونه است؟

مختارپور در پاسخ به اینکه چنانچه کتابی از وزارت ارشاد مجوز نگیرد و به راحتی در فضای مجازی مثل اینستاگرام منتشر شود، در این مقطع چه نهاد و یا سازمانی باید به این تخلف رسیدگی کند، گفت: این مسائل احکام مختلفی دارد. اولاً اگر انتشار این کتاب از سوی ناشری دارای «پروانه نشر» باشد و او کتابی را بدون اجازه در سایت‌ها یا فضای مجازی که مدیریت آن سایت‌ها با کشور ما نیست، مثل اینستاگرام و تلگرام قرار دهد، طبق قانون ناشر در برابرش مسئولیت دارد. اگر وزارت ارشاد به کتابی مجوز نداد و آن کتاب در اینستاگرام منتشر شد، چه پلیس فتا و چه دایره دیجیتال وزارت ارشاد می‌تواند با ناشر برخورد کند، اما اگر ناشر دارای «پروانه نشر» نباشد یا یک شخص یا گروه غیرمجوزدار باشد، در آن صورت باید پلیس فتا آنها را شناسایی کند. اگر در داخل کشور فعالیت می‌کنند، آنها را به مراجع قضایی معرفی کرده و جلوی فعالیت‌شان را بگیرد.

خبر

معرفی و بررسی رمان قربانی

مریم ورشو: وقتی شروع به خواندن کتاب می‌کنید، هرچه با روایت‌های واقعی آن از جنگ جلوتر می‌روید، له و په و نابود (یکی از معانی واژه آلمانی کاپوت) می‌شوید. مالاپارته که یک افسر ایتالیایی است ماجرای جنگ آلمان و روسیه را به تصویر می‌کشد، اما به قول خودش جنگ دراین کتاب نقش دوم را بازی می‌کند. مالاپارته چنان بی‌رحمانه عواقب جنگ را روایت می‌کند که تاب تحمل را از خواننده می‌گیرد.

قلم این نویسنده ژورنالیست چندبعدی است. او می‌تواند جنگ را هم برای ما بنویسد، هم نقاشی کند و حتی از بوهای مختلف نیز نگذرد. گویی بو در جای جای کتاب به عنصر اول برای درک جنگ تبدیل می‌شود؛ بوی مرده‌ها و جنازه‌ها و بوی گند لاشه حیوانات درجای جای این کتاب بیداد می‌کند.

مالاپارته بی‌رحمانه می‌نویسد؛ مثل آنجایی که درباره فاسد شدن یک مادیان نیمه مرده می‌نویسد که قسمت فاسد بدنش قسمت سالمش را متلاشی می‌کند. وی این صحنه را به «اسیرانی تشبیه می‌کند که تاتارها آنها را زنده زنده به نعش اسیران مرده می‌بستند؛ به طوری که شکم به شکم، صورت به صورت و دهان به دهان رو به روی هم قرار بگیرند و آنقدر به همین حال بمانند تا مرده‌ها زنده‌ها را بخورند.»

حیوانات در کتاب‌هایی که درباره جنگ جهانی دوم نوشته شده‌اند، هرگز نقش اصلی نبوده‌اند، اما مالاپارته از رنج حیوانات هم می‌نویسد و هرفصل کتابش را با یک استعاره خاص به حیوانات نسبت می‌دهد تا بگوید جنگ حتی به حیوانات هم رحم نمی‌کند. او از قربانی و له و په شدن حیوانات نیز می‌نویسد تا بگوید جنگ بی‌رحمانه‌تر ازآن است که ما درباره‌اش فکر می‌کنیم.

شما به عنوان مخاطب وقتی این صحنه‌های رقت‌انگیز را می‌خوانید حتما اقرار خواهید کرد که او هنر این را دارد که مخاطب را تماشاچی این فضای چندبعدی بی‌رحم کند. گویی مخاطب خودش ازنزدیک این فاجعه را شاهد است. هم می‌بیند، هم می‌گرید و هم بو می‌کشد تمامی آن آلام و دردها را.

مانند آنجایی که درباره اسب‌های دریاچه لادوگا می‌نویسد. پیشقراولان فنلاندی برای محاصره و کشتار سربازان روسی جنگلی را به آتش می‌کشند تا بسیاری از آنها در آتش بسوزند، چون یک سوی جنگل به دریاچه لادوگا می‌رسید که راه فراری نداشت، در این میان اسب‌ها برای نجات خود به سمت دریاچه حرکت کردند و تا گردن در زیر آب رفتند، اما شب سرما وحشتناک شد و دریاچه یخ زد. مالاپارته این منظره عجیب و هولناک را اینگونه برایتان نقاشی می‌کند: «دریاچه به‌صورت صفحه عریض از مرمر سفید درآمده بود که صدها کله اسب روی آن گذاشته باشند. سرها چنان بودند که گفتی همه را با ساطور و به یک ضرب از تن جدا کرده‌اند. همه سرها رو به ساحل بودند. در چشمان دریده اسب‌ها وحشت همچون شعله سفیدی هنوز برق می‌زد.» و البته فراموش نمی‌کند تا در جایی دیگر از کتاب درباره لاشه این اسب‌ها بعد از آب شدن یخ‌های دریاچه لادوگا هم بنویسد.

مالاپارته کودکان له و په شده را نیز در قربانی فراموش نمی‌کند. کودکانی که قربانی نژادپرستی و فاشیست می‌شوند. بچه‌هایی که نمی‌دانند بازی چیست. چون اسباب بازی ندارند و تنها تفریحشان این است که به دنبال گاری‌های پراز جنازه بدوند یا بروند تیرباران کردن پدر و مادر و اقوامشان را تماشا کنند.

کودکانی که حتی از گنجشکی که از پنجره باز وارد اتاقشان می‌شود می‌هراسند و به لرزشی تشنج مانند دچار می‌شوند، چون گمان می‌کنند که یک هواپیمای جنگی از پنجره به درون آمده است و در اتاقشان پرواز می‌کند.

هربار این جمله از کتاب عروس‌های_جنگ در ذهنم جوانه می‌زند که می‌گفت چرا هرآنچه از تمدن باقی مانده فقط نام‌هایی بر سنگ قبرهاست و مالاپارته هم در قربانی به نوعی مدام همین موضوع را به ما گوشزد می‌کند.

او و ازآدم‌هایی می‌نویسد که بی‌گناه دسته دسته کشته می‌شوند. از چگونگی به خاک سپردن انسان‌هایی که قربانی فاشیست هستند؛ قربانی کسانی که کشتن آدم‌ها برایشان کاری پیش‌پا افتاده و عادی به نظر می‌رسد. «یک لایه جنازه می‌چینند و یک لایه آهک. درست مثل اینکه یک برش گوشت و یک لایه سس، یک برش گوشت و یک لایه سس.»

و زن ها. باید وقتی درباره زنان قربانی می‌خوانید کمی به احترام آن همه رنج و دردشان سکوت کنید و به‌اصطلاح کلاه از سربردارید. زنانی که حتی به جنازه گرمشان رحم نمی‌شود. آنجا هم که درباره دختران دهکده سوروکا می‌نویسد نه تنها به‌عنوان یک مخاطب زن، بلکه به عنوان یک انسان حتما دست و دلتان خواهد لرزید. دخترانی که دزدیده می‌شوند تا درپایان با جسم و روحی له و په شده تیرباران شوند.

باید قربانی را خواند، اما با این حال و روز جهان به‌اصطلاح متمدنمان بعید است که این چند سطری که در بخشی از کتاب در دل تارکی بارقه‌ای از امید را روشن می‌کند به‌زودی تحقق یابد. «یک روز خواهیم دید که کمونیسم نیز مثل خانم گودیوا که در کوچه‌های کاونتری برهنه می‌گشت لخت و عور در کوچه‌های انگلستان خواهد گذشت.»

قربانی در واقع استعاره‌ای از موجودی پهناور به‌نام اروپاست که هر سو و گوشه آن در حال سوختن و فنا شدن است، اما مالاپارته در میان این تراژدی عظیم دست به خلق زندگی می‌زند. او که به‌نوعی تمام روایت‌های این کتاب را تجربه کرده است سعی می‌کند ازمیان خرابه‌ها و ویرانه‌های جنگ دست ناتوان زندگی را بیرون بکشد و به فردا سلامی دوباره بگوید. مانند آنجایی که یک پدر هنگام بمباران در باغچه عروسک پرت می‌کرد تا از وحشت کودکانش بکاهد و بگوید هواپیماها برایشان عروسک آورده‌اند.

روز جهانی کوهستان

ناصر تبریزی

این روزها که در سراسر گیتی ویروس کرونا ترکتازی می کند، شاید یکی از راه های فرار از افسردگی پناه بردن به کوه ها در قالب گرو ه های کوچک خانوادگی باشد، حداقل هفته ای یکبار پناه بردن به دامان طبیعت می تواند بخشی از آلام این روزها را تسکین دهد. روز یازدهم دسامبر مصادف با ۲۰ آذر ماه، به نام روز جهانی کوهستان نام گذاری شده است، بنا به اهمیت این موضوع بخصوص در شرایط حاضر، پرداختن به این مقال می تواند نحوه ی صحیح و اصولی استفاده از کوهستان را توجیه نماید.

تاریخچه: یکسال پس از بزرگداشت سال بین المللی کوهها در سال ۲۰۰۲مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پنجاه و هفتمین جلسه خود در ژانویه ۲۰۰۳ روز ۱۱ دسامبر را بعنوان روز جهانی کوهستان تعیین و از سازمان خوار بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) دعوت کرد تا مسئولیت هماهنگی این روز در سطح جهان را بر عهده بگیرد. فائو هر سال با تعیین یک موضوع، از کشور های کوهستانی و اعضای مشارکت برای کوهها (MP) دعوت می نماید تا با اجرای آیین های ویژه نظیر گرد همایی و ... اجرای برنامه های کوهنوردی در بزرگداشت این روز و تاکید هر چه بیشتر بر اهمیت و نقش کوهستان بکوشند. متاسفانه امسال شرایط ویژه کرونا اوضاع را کمی تغییر داده است. نماد روز جهانی کوهستان شامل سه مثلث متساوی الاضلاع بر روی یک خط افقی است. مثلث سمت چپ یک الماس آبی رنگ در بالا دارد و نشان از یخ و برف در قله کوه و لزوم توجه به گرمایش زمین و حفظ برفهای کوهستان دارد. مثلث میانه دایره نارنجی دارد که نشان دهنده منابع طبیعی محیط کوهستان است که به طور مداوم از داخل کوه ها استخراج می شوند و مثلث سمت راست یک مثلث سبز کوچک در پایه دارد که نشان دهنده سرسبزی و محصولاتی است که در دامنه کوه ها رشد می کنند.

نقش کوهستان در چرخه حیات: با اشاره به اینکه سرچشمهٔ همهٔ رودهای بزرگ و نیمی از سر منشا آب شیرین جهان از کوه ها تامین می شود، کوه ها، زیستگاه گونه های بی شمار گیاهی و جانوری، خاستگاه بخش مهمی از تنوع زیستی است. پناهگاه بسیاری از گونه هایی جانوری که در دشت ها زندگی می کردند و امروزه بواسطه تجاوز انسان به دشت ها که منجر به از بین رفتن گستره وسیعی از آن شده، به کوهستان ها پناه برده اند.

تعامل انسان و کوهستان: به نظر می رسد امروزه یکی از اماکن بسیار حیاتی برای گذران اوقات فراغت، کوه ها شده است. که ظاهرا از تجاوز انسان کمتر صدمه دیده است. اما مسئله در همین جا خاتمه نمی شود. رفتار انسان با کوه ها، همانند سایر پدیده های زیست محیطی، به صحنه رقابت با طبیعت مبدل گشته است و به جای دوستی و همزیستی مسالمت آمیز ، به بهانه ورزش و ده ها بهانه دیگر ، رابطه عادلانه ای بین کوه ها و انسان برقرار نیست! انسان امروزه در قالب بهره برداری از مواهب کوهستان، چهار نعل در حال تخریب این منبع حیاتی طبیعت می باشد.علیرغم مدیریت برنامه های استفاده از قلل معتبر جهان، متاسفانه در ایران ناظر اجرای برنا مه ای مدون در حفظ ارتفاعات نیستیم. در بخشی از کوه پایه ها، شاهد تجاوز به حریم کوهستان تحت عناوین ایجاد پار کهای کوهستان، بدون در نظر گرفتن حریم ها و تغییر اکوسیستم آن هستیم که تاثیرات منفی آن چند سالی ست که اقصا نقاط کشور دیده می شود..

چند عامل اصلی تخریب در کوهستان ساخت جاده ها

یکی از عوامل تخریب کوهستان ساخت جاده ها برای به اصطلاح توسعه مناطق مرتفع و یا روستایی است. سود جویی ها و طمع کسانی که که در حاشیه ارتفاعات مالک زمین های کشاورزی از سالها ی قبل بوده اند موجب شده که به بهانه ساخت جاده، تغییر کاربری این گونه از بستر طبیعت به یکی از بزرگترین علل آسیب به ارتفاعات ما باشد. فراموشمان نشود که کلاردشت از اولین قربانی ساخت جاده در آن ارتفاعات محسوب می شود. طی سال های نه چندان دور تا به امروز مناطق بکر و زیبای کلاردشت تخریب و با رشد قارچ وار، مبدل به شهر کهای ویلایی شده است.ساخت جاده در «جنگل ابر» بدون در نظر گرفتن شرایط ویژه آن مناطق نیز از بدترین اتفاقات برای ارتفاعات آن منطقه بود. می توان ده ها مورد را نیز بازگویی کرد.که در حوصله این مقال نیست .

ساخت و ساز: ساخت و ساز های بی رویه در کشور توسط سود جویان، مثنوی هفت من است، این نوع تجاوز به حریم طبیعت، شامل ارتفاعات بکر کشور نیز می شود. پدیده کوه خواری در شهر های بزرگ که سود های هنگفتی را برای سازندگان آن بدنبال داشته و منجر به خراش های جانکاهی در ارتفاعات کشور شده است.در زمانی نه چندان دور شمال تهران، دارای چشم اندازی زیبایی از رشته کوه با وقار «البرز» بود، امروزه برج های چندین طبقه مانند پیکان هایی زشت و چرکین ، بر صورت و دامان کوه ها چنگ انداخته اند، و متاسفانه طی این سالها هیچ اراده مصمم و قدرتمندی وجود نداشته که از تکرار چنین فجایعی بر دامان کو ه ها جلوگیری نماید .شور بختانه امروزه از زشت ترین مظاهر تخریب کوهستان، برج های سر بفلک کشیده بر دامان بی دفاع ارتفاعات می باشد.

چرای دام: عوامل متعددی در ایجاد فرسایش و هدررفت خاک دخالت دارند. یکی نیز نظام غلط بهره برداری از اراضی می باشد ،چایا بی رویه دام ها تاثیرات جبران ناپذیری برخاک بعنوان بستر حیات منابع طبیعی تجدید شونده وارد آورده است.. سیاست های نسنجیده در امور کنترل دام، طی سال های اخیر صدمات جبران ناپذیری را برکوه پایه ی سرسبز اکثر مناطق و مراتع کشور تحمیل کرده است.

معدن کاوی: اجرای برنامه های توسعه در کشور بدون ارزیابی های زیست محیطی، دست معدنکاران و معدن کاو